

باسمه تعالی

متن تدریس استاد میر معزی

عنوان جلسه: پژوهش و درس خارج

دوره «درس خارج و تحصیل موفق»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ
اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاعْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ
سلام عرض می کنم خدمت اعزه ای که به صورت حضوری و مجازی در جلسه
حضور دارند.

موضوع بحث: پژوهش و درس خارج

کلام خودم را با حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شروع می کنم فرمودند
لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ بَغَيْرِ تَحْقِيقٍ وَلَا سُنَّةٌ أَفْضَلُ مِنَ التَّحْقِيقِ وَلَا عَمَلٌ كَالْتَّحْقِيقِ
در ارتباط با پژوهش و درس خارج من مطالب خودم را اینطور دسته بندی
کردم ابتدا تعریفی از پژوهش و ویژگی های اصلی که برای انجام یک پژوهش
موفق لازم است را ارائه می کنم و بعد بحثی را در ارتباط با اجتهاد می کنم و
اینکه تعریف اجتهاد و ویژگی های آن و ارتباط اجتهاد با پژوهش چیست و
بحثی را هم در ارتباط با کرسی های درس خارج خواهم داشت که به نوعی
کرسی هایی هستند که مجتهدین حاصل اجتهاد خودشان را ارائه می دهند و در
نهایت هم اینکه طلابی که در درسهای خارج می خواهند شرکت کنند با توجه به
این ابعاد پژوهشی درس خارج چه وظیفه ای به عهده دارند و چگونه باید در

این دروس شرکت کنند. این مجموعه مطالبی است که بنده در این جلسه خدمت شما عرض می‌کنم.

تعریف و ویژگیهای پژوهش

تعریف های متعددی از پژوهش ارائه شده من یک تعریفی را که حاصل همه تعریفهاست و می شود گفت دارای همه ویژگی های تعاریف هست را خدمت شما عرض می‌کنم.

پژوهش از جهت لغوی به معنای پژوهیدن، جستجو کردن، کاویدن در اصطلاح تلاش فکری منظم، روشمند، مستدل برای یافتن حقیقت. این معنای عامی از پژوهش هست که تمام ویژگی های یک پژوهش خوب و استاندارد را دارد و در همه عرصه ها هم می شود این را به عنوان تعریف در پژوهش دید چه در علوم نقلی و چه در علوم عقلی و چه در علوم تجربی. در همه علوم پژوهش عبارت است از تلاش فکری منظم و روشمند و مستدل برای رسیدن به حقیقت.

اولاً منظم است یعنی پژوهش نقشه راه دارد، برنامه دارد. مشخص است که مسیر پژوهش و مراحل آن را در کشف حقیقت چیست و چگونه باید این مراحل را طی کند.

ثانیاً روشمند است. دارای روش ویژه ای است که آن روش در جای خودش در آن دانش تبیین و اثبات شده است: اگر در علوم عقلی است روش ویژه خودش، اگر در علوم نقلی است روش ویژه خودش، دارای روش خاص به تناسب موضوعی است که در آن تحقیق می خواهد انجام بگیرد و در چارچوب آن روش، استدلال صورت می گیرد. استدلال در هر دانشی به نحو ویژه ای است.

در علوم نقلی به آیات و روایات استدلال می کنیم و در علوم عقلی استدلال های برهانی به مقدمات عقلیه می شود و در علوم تجربی استدلال استقرایی است.

همچنین هدف از پژوهش این است که حقیقت تازه ای کشف شود؛ حقیقتی که پیش از آن توسط دیگران کشف نشده است. و این ویژگی پژوهش است که پژوهش را با نوآوری و تولید علم همراه می کند. پژوهش به معنای واقعی مرزهای علم را یک قدم جلو می برد. یک حقیقت تازه ای را منکشف می کند و نوآوری در آن وجود دارد. به همین جهت در هر دانشی اگر پژوهش وجود نداشته باشد آن دانش عقیم و راکد است، باروری ندارد و رو به جلو نمی رود. علتش این است که پژوهش یک فرآیندی است که در آن دانشمندان تلاش می کنند و مرتب مرزهای دانش را جلو می برند، به سؤالات و نیازهای جدید جامعه پاسخ می دهند، مسائل جدید را حل می کنند و این موجب می شود که آن دانش، دانشی مفید و بارور شود.

ویژگیهای پژوهشگر

پژوهشگری که در امر پژوهش می خواهد موفق باشد و به نوعی تولید علم کند و مرزهای علم را جلو ببرد، ویژگی های متعددی باید داشته باشد و من چهار ویژگی اصلی را اینجا ذکر می کنم:

ویژگی اول: پژوهشگر باید خودش را به مرز دانش برساند. در هر دانشی که می خواهد به پژوهش بپردازد باید حرفه ایی که دیگران تاکنون زدند، مطالبی که دیگران تاکنون کشف کردند را بداند. باید در مرز علم قرار گرفته باشد. روشن است چرا پژوهشگر باید چنین ویژگی ای را داشته باشد. چون اگر در مرز علم

نباشد نمی تواند مرزگشایی کند. نمی تواند حرف جدید بزند. چه بسیار کسانی که کلی وقت تلف می کنند، فکر و به ظاهر پژوهش می کنند، بعد حرفی را می زنند، مقاله ای را می نویسند که دیگران پیش از آنها گفته اند. یعنی این حقیقت قبلاً منکشف شده شما فقط باید تتبع می کردی، تتبع نکردی و فکر می کنی داری حرف جدید می زنی؛ درحالیکه حرف جدیدی نیست و دیگران این حرف را پیش از شما کاویدند، جستجو کردند، پژوهش کردند و در اختیار جامعه علمی قرار داده اند.

بنابراین پژوهشگر اگر در مرز علم قرار نگیرد در هر مسئله ای در هر دانشی، علی القاعده او نمی تواند مرزگشایی کند گر چه ممکن است اتفاقاً مرزی گشوده شود. این یکی از ویژگی های پژوهش است.

ویژگی دوم: باید مسلط به روشها و مهارت های پژوهشی در دانش خودش باشد. روشهای پژوهش در دانشی که می خواهد به این پژوهش بپردازد را باید خوب بشناسد و مسلط باشد. مهارت های پژوهشی را باید بر آنها مسلط باشد؛ مهارت مسئله یابی، مهارت جمع منابع، دسته بندی و طبقه بندی اقوال، مدیریت زمان پژوهش و مانند آن. مدیریت زمان پژوهش یکی از مهارت هایی است که معمولاً از آن غفلت می کنیم در حالی که خیلی مهم است. خدا رحمت کند حضرت آیت الله معرفت یک موقعی یک صحبتی راجع به پژوهش می کردند فرمودند که برخی افراد هستند هزینه و وقت پژوهش را صرف تتبع می کنند. انقدر تتبع می کنند که دیگر خسته می شوند و وقتی هم برای فکر کردن و تولید نظریه جدید باقی نمی ماند. دیگر نه توانی نه زمانی برای تولید فکر برایشان باقی

نمی ماند. لذا می بینی تتبع خیلی خوب است ولی در مقام تحلیل و تولید فکر خیلی ضعیف وارد شدند و برخی بالعکس.

امروزه مهارت استفاده از ابزارها و برنامه ها و بانکهای دیجیتالی و مهارت استفاده از فضای مجازی، مهارت مهمی است. پژوهشگر امروز اگر چنین مهارتی را نداشته باشد از فضای پژوهش بسیار عقب می افتد. این مهارتها را باید داشته باشد. بنابر این پژوهشگر باید بر روشها و مهارتهای پژوهش مسلط باشد.

ویژگی چهارم که خیلی مهم است و روح پژوهش است قدرت تفکر است. باید پژوهشگر یک متفکر باشد. قدرت فکری بالایی داشته باشد. تفکر یعنی حرکت از معلومات به سمت مجهولات؛ یعنی کسی که بتواند معلوماتی را که جمع می کند در آنها بکاود و قدرت حرکت از معلومات به سمت حل مسائل مجهول و مشکلات و نیازهای جدید در او وجود داشته باشد. ما در روایات مطالب زیادی راجع به اهمیت تفکر داریم. تفکر فی نفسه امر بسیار مهم و ضروری در حرکت به سمت خداوند متعال هست. تفکر موجب تنبّه می شود. اینها جای خودش بحث ما در رابطه با تفکر در پژوهش است یعنی تفکری که به کشف حقیقت تازه منجر می شود این نوع تفکر را داریم بحث می کنیم.

روایت خیلی کوتاه و پرمحتوایی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در غرر الحکم و دُرر الکلم مرحوم آمدی نقل شده که فرمود:

مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ أَتَقَنَّ عِلْمَهُ وَ فَهَمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ

هرکس که در آنچه که یاد گرفته و برایش معلوم زیاد فکر کند دو اثر دارد:

۱. أَتَقْنَ عِلْمَهُ: علم خود را متقن، استوار و مستحکم می کند. این علم با تفکر زیاد برای او ماندگار می شود.

۲. وَ فَهَمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ: در اثر تفکر چیزهایی را که تاکنون نمی فهمید می فهمد. یعنی چیزهای جدید می فهمد، راههای جدید برای او گشوده می شود. تفکر در پژوهش نقش مهمی دارد. انسان می تواند قدرت تفکر را در خودش بارور کند. البته استعداد خدادادی هم هست ولی قابل باروری در اثر تمرین هم هست.

یکی از ویژگی های آموزش پژوهش محور و درسهای پژوهش محور این است که روح پرسشگری و قدرت تفکر را در شاگرد زنده می کند. یعنی به گونه ای تدریس صورت می گیرد که شاگرد را به تفکر وادار می کند و او را پرسشگر بار می آورد، خمود نیست و همواره سؤالات در ذهنش جولان می کند. تفکر از پرسش آغاز می شود. در درس پژوهش محور، استاد به کسی که یه او معلومات منتقل می شود، تمرین تفکر می دهد و روحیه و انگیزه پرسشگری و تفکر را در او زنده می کند. این خیلی کلاس باروری است.

بنابراین یکی از ویژگی های اصلی پژوهشگر که در حقیقت روح پژوهش هم هست این است که قدرت تفکر داشته باشد. بسیاری از داده ها در اختیار یکنفر قرار می گیرد، ولی او نمیتواند از آنها به حل مسئله جدیدی برسد. انبوهی از داده ها را می گیرد و می کاود ولی به نتیجه ای نمی رسد. یکنفر دیگر که قدرت تفکر بالایی دارد همانها را می کاود و به نتیجه جدید می رسد. این در حقیقت توانایی تفکر در مرحله پژوهش هست.

تدریس و تدرّس

در روایات شبیه این بحث در تفکر، در رابطه با مدارسُ العلم هم گفته شده است. تدریس و تدرّس در علم هم همین دو اثر را دارد؛ یعنی هم موجب تثبیت معلومات می شود و هم موجب این می شود که انسان چیزهای جدیدی در اثر تدریس و تدرّس می فهمد. روایتی است در غرر و درر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرمود:

مَنْ أَكْثَرَ مُدَارَسَةَ الْعِلْمِ لَمْ يَنْسَ مَا عِلَّمَ وَ اسْتَفَادَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.

هر کس بیشتر به بحث علمی (تدریس و تدرّس) پردازد، آموخته هایش را از یاد نمی برد و آنچه را که نمی داند، قرا می گیرد.

تهذیب نفس

یکی از ویژگی های توفیق در پژوهش تهذیب نفس و تقواست.

قرآن کریم می فرماید:

«إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^۱

اگر تقوا به خرج دهید خداوند فرقان یعنی معیار تمییز حق از باطل را در شما ایجاد می کند و به شما می دهد.

و در روایات متعددی از پیامبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه وارد شده است که فرمودند:

اَلْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللّٰهُ فِي قَلْبٍ مِّنْ يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ يَا فِي قَلْبٍ مِّنْ يَّهْدِيهِ يَا فِي قُلُوبِ اَوْلِيَائِهِ

^۱ - انفال، ۲۹

علم نوری است که خداوند متعال در قلب کسی از بندگانش که بخواهد می‌تاباند یا در قلب کسی که می‌خواهد او را هدایت کند و یا در قلوب اولیاء خودش این علم را می‌تاباند.

در اینکه آیا این ویژگی برای پژوهش موفق در همه علوم لازم است یا تنها مختص به علوم الهی است جای بحث است ولی قدر متیقن این است که در علوم الهی این ویژگی لازم است.

از پیامبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه روایت است که فرمود: **إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَفَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ وَسُنَّةٌ قَائِمَةٌ**

در تفسیرهایی که از این روایت شده، سه نوع علم مذکور در روایت به علم عقائد و اخلاق و علم فقه تطبیق گشته است. قدر متیقن بحث این است که برای پژوهش موفق در این علوم تهذیب نفس مهم است.

ویژگی‌های دیگری هم وجود دارد از قبیل صبر و حلم در پژوهش. کسی که صبر و حلم در پژوهش نداشته باشد، بعید است که به نتایج متقنی برسد. پژوهش نیاز به صبر و حلم زیاد دارد. این روایت که از امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: **«الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ»**، در پژوهش هم صادق است. یعنی اگر شما در فرآیند پژوهش صبر کنید، عجله نکنید و حلم داشته باشید، خسته نشوید و همه منابع را به دقت ببینید و تأمل کنید، فرج حاصل می‌شود و راه گشوده می‌شود و بن بست‌ها باز می‌شود، راههای جدید برای شما نمایان می‌شود.

اجتهاد

اجتهاد از ماده جَهِد یا جُهِد است. جَهِد به معنای تحمل مشقت، جُهِد به معنای طاقت و توان است. اجتهاد به معنای تحمل مشقت و صرف طاقت برای انجام کاری است. اجتهاد در فقه که مورد نظر ما است متناسب با معنای لغوی آن است. دو تعریف از اجتهاد شده است: یکی استفراغُ الوسع برای رسیدن به حکم شرعی (اعم از واقعی و ظاهری) یا برای استنباط وظیفه عبد در مقابل خداوند متعال از منابع و ادله شرعیه.

بعضی ها هم گفتند که ملکه چنین کاری است و در حقیقت این توانایی استنباط حکم، تبدیل شده باشد به یک صفت در جان او و ملکه شده باشد.

البته حضرت آیت الله بروجردی (ره) اینها را در هم جمع می کنند مرحوم اصفهانی هم همینطور می فرمایند که همه یک چیز را می خواستند بگویند منظور همین است که اجتهاد عبارت است از استفراغ الوسع فی اعمال القواعد لتحصيل المعرفة للوظيفة الفعلية من الواقعية والظاهري.

بعد هم فرمودند که و این استفراغ الوسع در کسی که ملکه اجتهاد در او نیست تحقق پیدا نمی کنند. در حقیقت این تعاریف را اینگونه با هم جمع کردند.

قواعد استنباط هم قواعدی است که در اصول فقه گفته می شود و در حقیقت روش استنباط قواعد روشی برای استنباط فقهی را در اصول فقه فرا می گیریم.

اکنون اگر تعریف اجتهاد را با تعریف پژوهش با هم مقایسه کنید می بینید که اجتهاد در حقیقت یک نوع پژوهش است در یک دانشی به نام فقه. اجتهاد یعنی پژوهش منظم روشمند مستدل به منابع و ادله برای کشف حقیقت. آن حقیقت منظور چیست؟ یعنی حکم شرعی یا وظیفه عبد در برابر خداوند. اجتهاد عبارت است از پژوهش موفق و روشمند و استاندارد در فقه.

بر این اساس، مجتهد هم یک پژوهشگر است که: ۱. در مرز دانش فقه قرار دارد در مرز دانش اصول فقه قرار دارد؛ یعنی همه حرفهای قبلی ها را شنیده و همه را فهمیده و در مرز این دانش است. ۲. روشهای استنباط و مهارتهای استنباط را کاملاً بر آنها مسلط است و ۳. قدرت تفکر و تحلیل و حرکت از معلومات به سمت مجهولات را دارد و مهذب، صبور و حلیم است.

بنابراین اجتهاد یک نوع پژوهش است و مجتهد یک پژوهشگر بالفعل است. توانایی مرزگشایی دارد توانایی استنباط حرف جدید دارد توانایی کشف حکم الهی را دارد.

کرسی درس خارج

کرسی درس خارج کرسی ای است که یک مجتهد مسلم روی این کرسی می نشیند و تدریس می کند. علت اینکه نام آن را درس خارج گذاشته اند، این است که متن خاصی وجود ندارد. درس خارج از متن است برخلاف دروس سطح که یک متنی در اختیار شما قرار می گیرد و استاد تمام همش این است که آن متن را به شما تحویل دهد و تدریس کند. در دروس خارج متنی که استاد مقید به آن متن باشد و آن را بخواهد به شما تفهیم کند، وجود ندارد. گرچه گاه یک متنی همچون مکاسب شیخ اعظم در معاملات ممکن است مبنا قرار داده شود برای اینکه ترتیب و نظم مباحث براساس آن متن ارائه شود، ولی استاد مقید به یک متن مشخصی نیست.

درس خارج در حقیقت کرسی ای است که یک مجتهد اجتهاد خودش را (یعنی پژوهش خودش را) و نتایجی که در این پژوهش به آن رسیده است را ارائه می -

دهد و دفاع می‌کند. فرق نمیکند که کرسی درس اصول باشد یا درس فقه که محل بحث ما هستند.

ما داریم در ارتباط با درس خارج مطلوب صحبت می‌کنیم. ممکن است برخی درس خارجها هم باشد که به اسم درس خارج است، ولی درس خارج به این معنا که عرض می‌کنم نیست. البته درس خارج هم مراتبی دارد که عرض خواهیم کرد.

برای درسهای خارج دو هدف مهم می‌شود بیان کرد:
۱. هدف شاگرد پروری است.

در این نوع درس خارج هدف اول استاد این است که به شاگرد فنون و روشها و مهارتهای پژوهش را در این زمینه منتقل کند و شاگرد را تربیت کند و او را برای پژوهش در دانش فقه یا دانش اصول تمرین دهد. هدف دوم ارائه پژوهش و دفاع از نتایج آن است.

۲. هدف ارائه پژوهش و دفاع از آن است.

در این نوع از درسهای خارج هدف اول استاد ارائه پژوهش و دفاع از نتایج آن است. هدف و غرض اصلی استاد این است که پژوهشی که خودش انجام داده را ارائه بدهد و در معرض نقد دیگران بگذارد و دیگران آن را نقد کنند و او دفاع کند و پاسخ همه نقدها و سؤالات را هم بدهد و از این جلسه درس موفق بیرون بیاید. شاگرد پروری هدف نیست یا هدف دوم است.

درسهای خارج به تناسب این دو هدفی که عرض کردم دو نوع بلکه سه نوع پیدا می‌کنند:

در بعضی از درسها هم استاد شاگردپروری است. همش این است که به شاگرد بگوید که چگونه باید در عرصه فقه پژوهش کرد؟ منابع پژوهش چیست؟ چرا به این منابع رجوع می کنند؟ چگونه رجوع می کنند؟ ورود و خروجشان به بحث چگونه باید باشد؟ چگونه باید نتیجه گیری کرد؟ چگونه باید نقد کرد؟

در حقیقت چگونگی این پژوهشی که انجام دادند را می خواهند منتقل کنند هدفشان شاگردپروری است کمتر دنبال این هستند که استنباط جدیدی حرف جدیدی که دارند را القا کنند. این غرض دوشان است شاید هم اصلاً محل غرضشان نباشد. بعضی از درسها چنین است.

بعضی از درسهای خارج هستند که هدفشان القای پژوهش خودشان است یعنی در حقیقت کرسی دفاع از نظرات خودشان را دارند برگزار می کنند کرسی نظریه پردازی است.

و برخی هردو جهت را در درس خارج خودشان ارائه می دهند؛ یعنی هم دنبال این هستند که مطالب خودشان را ارائه بدهند و دفاع کنند و هم دنبال اینکه شاگرد پروری کنند.

این قسم سوم قسم بسیار مطلوبی است. البته هر سه قسم در مراحل مفید هستند. به نظر من طلبه ای که می خواهد تازه وارد درس خارج شود، بهتر است برود آن درسی که استاد بیشتر دنبال شاگرد پروری است و می خواهد روشهای پژوهش و مهارتها و روش های پژوهش در فقه یا اصول را یاد دهد و القا کند. بعد از چند سال که در درس خارج این چنینی شرکت کرد، وارد درس خارج مرحله بعد شود یعنی درسهایی که علاوه بر شاگرد پروری کرسی دفاع را هم برگزار می کنند. مرحله سوم که به یک حداقلی از قدرت استنباط و اجتهاد می

رسد برود در درسهای شرکت کند که فقط کرسی نظریه پردازی هستند کرسی دفاع از نظر هستند.

درسهای خارجی که در حال حاضر در حوزه برگزار می شود را می توان بر همین اساس دسته بندی کرد. برخی اشتباه میکنند و درس خارج را با استادی آغاز میکنند که درس خارج خوبی دارد ولی دنبال شاگرد پروری نیست. دنبال مرزگشایی از دانش فقه یا اصول است و دنبال نظریه پردازی در این دانشها و دفاع از نظریه خودش است. البته شاگرد هوشمند ممکن است برخی امور روشی و مهارتی و فنون پژوهش را خودش اصطیاد کند. ولی آن درس برای او سنگین و پیچیده است و فهم مطالب برایش مشکل است. چون استاد در اینگونه درسهای خارج فرض می کند شاگردانش پژوهشگران بالفعل در این عرصه هستند و خیلی چیزها را می دانند و لذا خیلی مطالب را با اشاره میگذرد و در صدد توضیح نظریه خودش است.

نکته دیگر اینکه درسهای خارج را از نظر شیوه تدریس به دو بخش تقسیم می کنند: سبک نجفی و سبک سامرایی

سبک نجفی سبک مرحوم آخوند صاحب کفایه است. در این سبک استاد مطالب را القا می کند و شاگرد می شنود و گاهی هم سؤالی داشت سؤالش را می کند و پاسخش را دریافت می کند. یک پرسش و پاسخ و چالش با استاد هم رخ می دهد.

سبک سامرائی که سبک مرحوم میرزای شیرازی است سبکی است که در آن استاد با شاگردها با هم شروع به پژوهش می کنند. به نوعی شبیه یک پژوهش گروهی است که یک استاد ناظر دارد و بر این پژوهش گروهی نظارت و آن را

هدایت و راهبری می کند تا به نتیجه برسد. استاد راهنمایی هایی می کند و سپس شاگرد موضوع را خودش پژوهش میکند و در کلاس به استاد ارائه می دهد و استاد غلطهایش را می گیرد او را راهنمایی می کند تا اینکه در مجموع در یک حرکت گروهی تحت راهبری استاد به یک نتیجه می رسند.

قطعاً هردو مفیدند هردو یک مزایایی دارند برای کسانی که تازه وارد درس خارج می شوند قطعاً آن حالت سامرائی هنوز زود است قاعدتاً باید سراغ همین درسهایی بروند که به سبک نجفی القا می شود. آنگاه که مقداری قدرت پژوهش در عرصه فقه در مرحله درس خارج پیدا شد آنوقت اگر وارد درسهای سامرائی شود هم مناسب است. بعضی از اساتید معمولاً اینگونه است که یک درس عمومی دارند که به سبک نجفی است. یک درس خصوصی با چند نفر از شاگردهای قدیمی و عمیق ترشان دارند که به سبک سامرائی انجام می گیرد. اینها مطالبی است که برای ورود به درسهای خارج شما باید به آنها توجه کنید.

وظایف طلاب در درس خارج

با توجه آنچه در باره پژوهش و اجتهاد و کرسیهای درس خارج بیان شد طلابی که میخواهند وارد درس خارج شوند افزون بر اینکه باید درس و استاد را درست انتخاب کند؛ یعنی در مرحله ابتدایی درسی را انتخاب کند که جنبه شاگرد پروری و القای روشهای پژوهش و تمرین پژوهش و تربیت پژوهشگری در آن قویتر باشد. و بهتر است در درسهای شرکت کند که به سبک نجفی ارائه میشود. علاوه بر این باید سعی کند ویژگی های زیر را در دوران شرکت در درس خارج در خودش ایجاد کند:

۱. در درس خارج غیر از فهم آن محتوایی که استاد دارد القا می کند به دنبال اصطیاد روشها و مهارت‌های پژوهش استاد و چگونگی ورود و خروج به بحث و نوع منابعی که به آن رجوع میکند و نحوه تتبع و تقریر و نقد اقوال و استدلال و نتیجه گیری استاد باشد.

بعضی از اساتید در درس فقه اینگونه هستند که اولین بحثی را که انجام می دهند این است که اصل اولیه در این مسئله چیست؟ از اینجا آغاز می کنند. مثلاً اگر اصل اولیه، اباحه است، دنبال دلیل خلاف اباحه می گردند. آیا دلیلی خلاف اباحه وجود دارد یا ندارد؟ لذا شما می بینید که استاد در هر بحثی که وارد می شود اول می گوید اصل در بحث چیست؟ اول از اینجا شروع می کند چرا از اینجا شروع می کند؟ وقتی وارد درس خارج می شوید خوب است که به این نکات هم توجه کنید.

دلیل این مطلب هم روشن است، علت اینکه شما وارد درس خارج می شوید این است که پژوهش در این درس را یاد بگیرید. شما توانایی پژوهش در فقه را احراز کنید. غرض اصلی ورود از مرحله سطح به خارج این است که شما پژوهش را فرا بگیرید و با تمرین پژوهش توانایی پژوهش را بدست آورید. شرکت در درس خارج تا جایی است که توانایی ها و مهارت‌ها و روشها و ملکه پژوهش در فقه و اصول را احراز کنید و به جایی برسید که بتوانید یک پژوهشگر بالفعل مستقل در فقه و اصول شوید.

بنابراین وقتی شما در درس خارج شرکت می کنید نباید تنها محو آن محتوایی که دارد القا می شود بشوید؛ بلکه باید به روش استنباط و پژوهش استاد و

مهارت هایی که او در این پژوهش به کار می برد هم باید دقت کنید و یاد بگیرید.

۲. در درس خارج باید با استاد همراه شوید و تا مرز علم بیایید؛ یعنی وقتی که در درس خارج شرکت می کنید اینطور نباشد که استاد تتبع کند ولی شما تتبع نداشته باشید. باید شما هم همراه استاد حرکت کنید. کتابهایی که او می بیند شما هم دیده باشید یا ببینید. مطالبی که او می بیند شما هم دیده باشید با او حرکت کنید. خود این حرکت با استاد برای طی مسیر برای رسیدن به مرز علم این خودش یک تمرین است یک تمرین پژوهش است. شما از این طریق هم در مرز علم قرار می گیرید هم منابع را می شناسید هم چگونگی طرح مطالب در منابع را می بینید و فواید متکثری این حرکت با استاد دارد. و این هم مستلزم تلاش مضاعف در قبل و پس از کلاس است. درس خارجی یک ساعت یا چهل و پنج دقیقه است ولی قبل و بعد از آن باید چند ساعت مطالعه شود. درس خارج با سطح فرق میکند. مرحله سطح مرحله تعلیم و تعلم یک متن مشخص فقهی و یا اصولی است. ولی مرحله درس خارج مرحله یادگیری و تمرین پژوهش در فقه و اصول است و اگر به اقتضائات این پژوهش در مرحله درس خارج توجه نکنید درس خارج برای شما آن فائده لازم را نخواهد داشت. ولی اگر به این نکات توجه کنید مطمئن باشید با استعداد متوسط شما در مدت معقولی به مرحله اجتهاد می رسید یعنی توانایی پژوهش در فقه را پیدا می کنید.

۳. روحیه پرسشگری و تفکر را در خودتان پرورش دهید. نباید ذهنتان را ببندید و سر کلاس بنشینید و فقط گوش بدهید. اینگونه نباشد که مثل ضبط صوت، هرچه که استاد می گوید را خوب ضبط کنید و یادداشت کنید. متفکرانه

در کلاس شرکت کنید و تفکر نیز چنانکه بیان شد از پرسش شروع میشود. نسبت به تمام مطالبی که استاد ارائه می دهد یک چرا جلوی آن بگذارید ابتدا از خود سؤال کنید و اگر پاسخ آن را پیدا نکردید سراغ استاد بروید. هم پرسشگری را در خودتان تقویت کنید و هم تفکر برای پاسخ به پرسش را در خودتان بارور کنید. در درس خارج استاد یکطرف قضیه است شاگرد خودش یکطرف قضیه است. شاگردی که متوجه باشد که در چه مرحله ای وارد شده و به چه غرضی وارد درس خارج شده و ماهیت درس خارج یک ماهیت پژوهشی است، اگر شاگرد چنین توجهی داشته باشد خودش وظایف خودش را پیدا می کند. حتی اگر استاد به فکر شاگرد پروری از جهت پژوهش نباشد شاگرد می تواند با تلاشها و توجهات و تنبهات خودش به این نکته این ضعف را جبران کند و جلو برود.

۴. در نهایت هم که موضوع مهمی که عرض کردم نباید از آن غفلت کنیم بحث تهذیب نفس است. تهذیب نفس برای طلبه از جهت مختلف لازم است و ضرورت دارد ولی من از موضع یک استاد اخلاق نمی گویم تهذیب نفس کنید. من به تناسب بحث خود از این جهت که بر اساس آیات قرآن کریم و روایات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین تهذیب نفس در پژوهش موفق مؤثر است بر تهذیب نفس تأکید می کنم.

امیدوارم در این مرحله جدیدی که دوستان از مرحله سطح وارد خارج می شوند با توجه به این نکاتی که عرض شد این شاء الله دوره موفق را در این مرحله از تحصیلات خودشان طی کنند و این شاء الله با رعایت این نکات در مدت زمان کوتاهی بتوانند به آن ملکه قدسیه اجتهاد در فقه دست پیدا کنند.

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

سوال: اگر ممکن است ویژگی های پژوهشگر موفق را به صورت فهرست وار یکبار دیگر بفرمایید؟

جواب: پژوهشگر موفق پژوهشگری است که

اول. در مرز دانش قرار گرفته باشد و تمام چیزهایی که پیش از این گفته شده بداند و فهم کند.

دوم. به روشها و مهارت های پژوهش مسلط باشد

سوم. روحیه پرسشگری و قدرت تفکر بالایی داشته باشد

چهارم. تهذیب نفس کند و تقوا داشته باشد.

البته در صحبتها دو ویژگی دیگر را هم عرض کردیم یکی بحث مدارست در علم و دیگری هم بحث صبر و حلم در پژوهش بود.

سؤال: حضرتعالی فرمودید باید دنبال استادی برویم که شاگرد پرور باشد شناسایی این استاد برای ما در این مقطع خیلی مشکل است چگونه می توانیم این چنین استادی را بشناسیم؟

جواب: دو راه دارد:

۱. از کسانی که اساتید درس خارج را می شناسند و سبک و روش آنها را در درسهای خارج می شناسند، پرسید.

۲. خودتان با شرکت در درس میتوانید احراز کنید. وقتی که چند جلسه در درسی شرکت کنید متوجه می شوید که این استاد دنبال فقط ارائه پژوهش خودش هست یعنی کرسی نظریه پردازی برگزار کرده یا اینکه دنبال شاگرد پروری برای پژوهش است.

به هرحال این را هم خود انسان می تواند با شرکت در درس خارج تا حدّی
فهم کند و هم اینکه می تواند از کسانی که آشنا هستند بپرسد.

الحمد لله رب العالمین

دوره «درس خارج و تحصیل موفق»

مدرسه خارج عمومی موسسه عالی فقه و علوم اسلامی

فروردین ۱۴۰۰

دوره درس خارج و تحصیل موفق موسسه عالی فقه و علوم اسلامی